

## تحلیل انتقادی تناص دینی، قرآنی در شعر محمد عقیفی مطر

مسعود اقبالی<sup>۱</sup>

علی سلیمی<sup>۲</sup>

### چکیده

متون کهن، به ویژه متون دینی، همواره سرچشمه‌ی اقتباس برای متون ادبی بوده است. این موضوع، در شعر معاصر، گسترش بیشتری یافته و در این میان، قرآن کریم نقشی بی بدیل ایفا نموده است به طوری که هر کدام از شاعران و ادیبان، به فراخور حال خویش، آثار خود را به آن آراسته‌اند. محمد عقیفی مطر، شاعر معاصر مصری، از جمله شاعرانی است که در شعر وی، نمونه‌های فراوانی از بینامتنی دینی، قرآنی به چشم می‌خورد. شیوه‌هایی مانند: نقل اشاری، اخذ مفهوم بدون تغییر، دگرگون ساختن معنا و ساختار آیه در شعر او به کار رفته است، این پژوهش با رویکردی انتقادی، تناص دینی، قرآنی در شعر او را بررسی نموده است. نتایج به دست آمده از این پژوهش گویای آن است که در شعر وی، در کنار تناص‌های هنری ارزشمند، مواردی نیز وجود دارد که در آن‌ها شاعر، گاهی شأن انبیای الهی و امور قدسی را آن گونه که شایسته است، مراعات ننموده است.

**کلید واژه‌ها:** بینامتنی قرآنی، شعر معاصر، عقیفی مطر، نگاه انتقادی.

---

۱- دانشجوی دکتری گروه عربی، دانشگاه رازی.

۲- دانشیار گروه عربی، دانشگاه رازی. رایانامه: salimi1390@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۰۹/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۳/۲۸

## مقدمه:

قرآن کریم به عنوان ارزشمندترین متون دینی، چونان چشمه‌ای فیاض از تجارب و نصایح اخلاقی و اجتماعی، در طول تاریخ همواره الهام بخش ادیبان در آفرینش‌های ادبی بوده است؛ زیرا که این کتاب آسمانی از چونان ظرفیتی برخوردار است که شاعران و نویسندگان از این منبع پایان ناپذیر بهره‌ها برده‌اند. اما چه بسا برخی از شاعران معاصر، با علم به آگاهی مخاطبان از فهم متون دینی، به منظور قداست بخشیدن به آثار خود و اثبات چیره دستی‌شان، آیات و اندیشه‌های قرآن را زینت بخش اشعار خود قرار داده تا افزون بر تأثیرگذاری عمیق‌تر بر مخاطب، بر غنای اثر خود بیفزایند. از جمله این شاعران، عقیفی مطر<sup>۱</sup> است که در جای جای دیوان خود به اقتباس از واژگان و مضامین آیات قرآن پرداخته تا به اصطلاح، رسالت شعری و نبوغ خود را به مخاطب القا کند، اما او در برخی موارد، خواسته یا ناخواسته، از مسیر درست تا حدودی دور شده است.

بینامتنی قرآنی، دینی و عرفانی در اشعار عقیفی مطر و در دوران عمرش، با گذر زمان، رو به رشد و فزونی داشته، سیری صعودی طی کرده است. اوج آن، به سال‌های دهه ۷۰ و اواسط دهه ۹۰ باز می‌گردد که بیش از ۵۰ درصد از دیوان‌هایش را در بر می‌گیرد. این امر نشان دهنده توجه و عنایت خاص شاعر به منابع قدیم بوده است. به طوری که بینامتنی با متون کهن، یکی از ویژگی‌های با اهمیت در گفتمان شعری او به شمار می‌رود به گونه‌ای که فهم معانی و ساختارهای شعری او جز از طریق فهم تناس

---

۱- محمد عقیفی مطر، شاعر مشهور مصری در روستای «رمله الانجب» در استان المنوفیه در سال ۱۹۳۵م به دنیا آمد. او تحصیلاتش را در رشته فلسفه ادامه داد و به عنوان معلم در مصر به کار مشغول شد. وی از مخالفان سرسخت انور سادات، رییس جمهوری اسبق مصر بود و به همین دلیل مجبور شد تا پایان دهه هفتاد میلادی در عراق در تبعید به سر برد. او در سال ۱۹۹۱م به دلیل مخالفت با جنگ عراق در مصر بازداشت و روانه زندان شد. این امر باعث گردید تا حبسیات معروفی را از تجارب خود در زندان‌های مصر بسراید. وی سرانجام در سال ۲۰۱۰م و در سن ۷۵ سالگی به دلیل نارسایی کبدی در زادگاهش چشم از جهان فرو بست. عقیفی مطر یکی از برجسته‌ترین شاعران جهان عرب است و از مهم‌ترین کتاب‌های شعر وی می‌توان به «ماه و گرسنگی»، «فاصله جای پاهای مورچه»، «رباعیات شادی»، «تو واحدی هستی که اعضایش متلاشی شده» و «نهری که رویش را می‌پوشاند» اشاره نمود. // <http://www.hama.com/showthread.php?t=۱۴۵۰۹>

تحلیل انتقادی تناص دینی، قرآنی در شعر محمد عقیفی مطر ۶۷

در اشعارش میسر نیست (جبر شعث، ۴۵). شایان ذکر است که تناص عقیفی مطر در چندین زمینه صورت گرفته است که قرآن کریم، مفاهیم عرفانی و صوفیانه، اشعار قدیم عربی، شعر لورکا از جمله آنهاست.

### پیشینه‌ی تحقیق:

درباره تناص قرآنی در شعر شاعران معاصر، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است، ولی اکثر آنها صرفاً به ذکر آیات قرآنی موجود در شعر پرداخته‌اند. درمورد عقیفی مطر نیز مقاله‌ای مفصل با عنوان «جمالیات التناص فی شعر عقیفی مطر» از دکتر احمد جبر شعث در جامعه‌ی الأقصی فلسطین نوشته شده که به تفصیل تناص‌های مختلف شعر قدیم و جدید، آیات قرآن و مفاهیم عرفانی را از زاویه زیبایی‌شناسی و تحلیل واژگان بررسی نموده است. همچنین مقاله «الحلم والکیمیاء والکتابة فی هین انت واحدها» از شاکر عبالحمید، چاپ مرکز تحقیقات علوم اسلامی که این اوضاع و مشقات و مقابله با مخالفانش، برای وی مقدور نیست، لذا این ناراحتی را، با اقتباس از قرآن کریم، چنین بیان می‌کند:

هل باخِعٌ نَفْسَکَ الْمُسْتَهَامَةَ فِي زَجَلِ اللَّيْلِ وَالطَّلَلِ  
الْمُسْتَهَابِلِ أَحْلَمِينَ  
— عَلَيهِمْ تَغْيُ وَعُيُكُ... تَبِيضُ أَلْيِهِ نَفَاً  
(أنت واحدها، ۲۹۹)

ترجمه: آیا تو روح سرگردانت را در وصف شتران پیر و خرابه‌ها، درحالی که مشتاق به سوی کوچ کنندگان هستی، تباه می‌سازی؟! افسوس که چشمانت از حسرت بر آنان سفید گشته و نابینا می‌شود.

او در این شعر، از آیات قرآن که همگی درباره پیامبر(ص) و بیان شخصیت و افکار و آراء ایشان بوده اقتباس نموده و در عبارت «تَغْيُ وَعُيُكُ... تَبِيضُ أَلْيِهِ نَفَاً» به داستان حضرت یعقوب اشاره دارد که در فراق حضرت یوسف بینایی‌اش را از دست داد و با این



إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَازَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ» (نمل / ۳۴).

اوضاع نابسامان سرزمینش را وصف می‌کند که مشکلات آن را احاطه کرده است. به عقیده او، دمشق به عنوان سمبل کشورهای عربی، قبلاً همچون نوعروسی زیبا روی، در اوج جمال و عظمت بوده است، ولی اکنون بر اثر سیاست‌های نادرست، حکام ظالم و سلطه اجانب، فساد و تباهی همه جای آن را فراگرفته است:

أناجسدُ يسكر الصوتُ أعضاءه، أنا الصوتُ

أسكن يجسد الشعب

والشعبُ يبني القري

«لؤلؤة الملوك إذا دخلوا قرية...»؟

كلغصّلُ وجه دمشق

و أقدامها و أراها علي هودج العرس... تلك دمشق الّئي لم تني

كنتُ و بساحتها ما أتكلّمُ . وأراها علي حجر القلب رمّانةً

تتخمرُ رُ أفهتأها الخضرُ

(احتفالات المومياء؛ ۷۳).

ترجمه: من پیکری هستم که فریاد در اعضایش سکنی می‌گزیند. من صدایی هستم که در پیکر ملت ساکن می‌شوم و ملت است که شهرها را دوباره می‌سازد (ولی آیا ندیدی که پادشاهان چون به شهری وارد شوند...؟) من پیشتر چهره دمشق و پاهایش را می‌شستم و او را سوار بر کجاوه عروسی می‌دیدم. آن دمشقی که مرا مطیع خود کرده و من در محیط آن سخن می‌گفتم و آنرا بر درخت قلب، چون اناری می‌بینم که شکوفه‌های سبزش نقاب زده‌اند.

در دیوان «ملاح من الوجه الامبيذوقليسي» شاعر به افراد جامعه‌اش، رهایی از چنگال دشمنان و اعطای زندگی به دور از هیاهوی سیاسی همراه با نعمت‌ها و آسودگی‌ها را یادآور می‌شود و می‌گوید:

صوت تردّد في أركان العالم:

ترفعُ في وجهي السيفُ؟

أنا أطمعُك من جوع و أمنتُك من خوف (جبر شعث، بی تا، ۵۹).

ترجمه: صدایی در چهارسوی عالم پیاپی تکرار می شد که:

آیا در برابر من شمشیر برافراخته‌ای؟

من بودم که تو را در گرسنگی غذا داده و از بیم (دشمن) آسوده خاطر ساختم  
این کلام اشاره دارد به آیه ﴿فَلْيَعِيدُوا رَبَّ هَظْلَهُ لَبِئْسَ الْفُلْمَيْنِ جُوعٌ وَآمَنَ مِنْهُمْ مَّنْ حُوفٍ﴾ (قریش/۴). در این ابیات، شاعر ضمائر آیه را از غائب به متکلم تغییر داده است، به گونه‌ای که گویی او این جمله را از صدایی از عالم غیب که بر قدرتی مافوق بشری دلالت دارد، می‌شنود. شاعر در این جا، علی رغم تغییر ضمائر، چون آنرا به صورت نقلی ذکر کرده و به قدرتی مافوق بشری که همان قدرت الهی است نسبت داده است و مهم‌تر از آن، معنای دلالی آیه نیز تحریف نشده است، می‌توان گفت که تناسف قرآنی او تا حدودی قابل توجیه است.

شاعر در شعری دیگر، در تناسف قرآنی و با ایجاد معنایی متفاوت از آیات، دعوت به

مبارزه علیه ستمگران می‌کند و می‌گوید:

اهدِ موا و اهدِ موا و اهدِ موا  
نَفَخَ اللَّهُ فِي جَسَدِ الشَّعْبِ لِمَا اسْتَوْفَوْقَ الْعَرْشِ حِجَاعَاتٍ  
نَفِيحِ السُّنْبُلِ وَالْغَضْبِ الْمُتَأَجِّجِ  
نَحْنُ لَهُ مُنْهِي  
مَصَاحِفُنَا تَنْزَلُهَا لَهْمُونَ قَالُوا الْمَاءُ  
(احتفالات المومياء، ۱۲۴)

ترجمه: ویران سازید، ویران سازید، ویران سازید/ خداوند آنگاه که بر عرش استیلا

یافت، گرسنگی در پیکره ملت دمید/ خوشه‌ها و خشم برافروخته، در آن می‌دمد/ ما برای

آن ملت همچون پیامبران هستیم/ که کتابهای آسمانی ما از شهوت آب نازل می‌شود.

عبلوت «استوفوق العرش، المجاعا طلم» «مناصنی ازم آلمی» «لعرش اسوت وای» (طه/۵)

است که احاطه یافتن و سلطه خداوند بر عرش کبریائی را نشان می‌دهد، که شاعر با

افزودن. قید «المجاعات: گرسنگی‌ها»، این مفهوم را القا می‌کند که خداوند با احاطه یافتن

تحلیل انتقادی تناص دینی، قرآنی در شعر محمد عقیفی مطر ۷۱

بر عرش، گرسنگی که در پیکره بی جان ملت دمیده و به آنان زندگی و حیات دوباره بخشیده تا بتوانند در برابر ظالمان و دشمنان ایستادگی کنند.

### تصویر سازی نا مناسب از رستاخیز:

شاعر گاهی، با استفاده از آیات مربوط به روز رستاخیز و حتمیت آن، مفهومی متضاد با

آن پدید آورده است، او در قصیده: «ت ما. لوقت ما» چنین می گوید:

فَ انشَقَّ كَيْبِنٌ مَّهْلُ الْغَمَامِ بَرَقَ مِنْ الدَّمِ فَاسْتَضَاءَتْ تَحْتَهُ  
الْأَطْلَالُ وَالْأَحْدَاثُ

لَأَمْ يَأْتِي النُّشُورَ يَأْتِي وَلَا يَدْوِي عَلِيَّ الْفَوْدِ يَصُورُ

فَاسْتَعْرِضَتْهَا جِسْمٌ هَجَعَةً الْقَيْلُولَةَ السُّودَاءُ

لَا يَمْشِجُ مَا فِي الْأَرْضِ

لَا مَهْلُ الْغَمَامِ قَيْضٌ بَالِسُ قِيَا

(احتفالات المومياء، ۲۴۰)

ترجمه: چگونه از میان ابرهایی که همچون فلز گداخته شده‌اند، آذرخشی از خون بیرون می‌جهد و خرابه‌ها و قبرها را منور می‌کند/ روز حشر و نشر نمی‌آید، و هیچ شیپوری بر این وادی نمی‌دمد/ پس خواب شبانه مرا با آن اضطراب در خود غرق می‌کند/ ای ناپاکی‌های روی زمین، ابرهای گداخته برای سیرابی (زمین)، دیگر نمی‌بارند.

همان طور که در متن حاضر می‌بینیم، شاعر برای ترسیم ضعف قیام و خیزش مردمی و به تبع آن عدم ایجاد تغییرات و اصلاحات، از آیاتی که دلالت بر روز رستاخیز و معاد دارد استنفاً «تَمُوتُونَ» «السَّهَاءُ كَالْمَاءِ تَكُونُ» «بِئْسَ مَا كَانَتْ تَعْمَلُونَ» (المعارج ۸-۹) وی با بیان «مَهْلُ الْغَمَامِ قَيْضٌ بَالِسُ قِيَا»، به آن آذرخشی که در روز رستاخیز از ابرها به بیرون می‌جهد و در پی آن، آسمان همچون فلز گداخته فرو می‌ریزد، اشاره نموده است، اما با خلق معنای عکس از آن رخداد عظیم، به ترسیم ضعف بیداری و خیزش ملت‌ها در برابر ظلم و ستم اشاره نموده است. شاعر عبارت «لَا يَدْوِي عَلِيَّ الْوَالِدِينَ وَ نَفْحٌ فِي الصُّوْرِ» «ذَرَاهُزُ لَهْمَةٍ» الْأَجْدَاثُ إِلَى رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ» (یس / ۵۱) اخذ

کرده است. به نظر می‌رسد که انکار پژواک «نفخه صور» و نابودی زمین و آسمان‌ها در روز قیامت، به منظور بیان ضعف قیام مردم در برابر ستمکاران، تناصی ضعیف و نامناسب است که انتقاد به آن وارد است.

### مبالغه در بیان توان انسان:

عظمت و قدرت لایزال الهی، موضوعی است که شاعر گاهی آن را به کسی یا چیزی دیگری نسبت داده است. چنان که او در تناصی قرآنی، احاطه خداوند بر عرش را در حیظه قدرت انسان نهاده است و می‌گوید:

وَصَلِّ عَلَىٰ عِمَّةٍ وَ الْمَاجِدُ عَلَىٰ عِمَّةٍ  
 الْعَرْشِ قَبَسِ الْأَفْقِ وَالْمَاءِ اسْتَوَى  
 جَبْرُوتُ الصَّخْرِ مَسَالِكَهُ وَالْحِجَارَةُ تُخَارِبُهُ صَعِيقَةٌ  
 (احتفالات المومياء المتوحشه، ۱۹۹۸م، ۳۴۸).

ترجمه: و گلی خشک (انسان) که دارای نعمت و بزرگی است، بر خشکی عرش و کرانه افق و آب استیلا یافت/ صلابت صخره‌ها، راه‌هایش را می‌گشاید و تخته سنگ‌ها با فریادی (در برابرش) فرو می‌افتد.

شاعر این مفهوم را با «عَرَّشٌ لِّمَنْ مَتَّوِّفِي» (طه ۵-۶) اقتباس نموده است، ولی با نهادن لفظ «صلصال» به جای الرحمن، و با تصور قدرت لایزال الهی در اختیار انسان، تناصی نامناسب به وجود آورده است.

آن چه ذکر شد، نمونه‌هایی اندک از تناص‌های قرآنی فراوان در شعر عقیفی مطر است که در دیوان او یافت می‌شود. به نظر می‌رسد هر چند شاعر، در بسیاری از موارد، هنر نمایی کرده و با به کارگیری آیات، متون قدیم و حوادث تاریخی، معناهای نوینی پدید آورده است، اما گاهی نیز، شأن و جایگاه انبیای الهی و قدرت مطلق خداوندی و امور قدسی را آن گونه که شایسته است، مراعات ننموده است. هر چند در تناص، و در هنرترین نوع آن، همواره سخن از نفی متن غایب و خلق متنی متفاوت با آن و حتی



تحلیل انتقادی تناص دینی، قرآنی در شعر محمد عقیفی مطر ۷۳

گاهی کاملاً متضاد با آن مطرح شده است، اما با وجود این، به نظر می‌رسد ضروری است که شاعر و ادیب در بینامتنی قرآنی، پیوسته بین متون بشری و متون مقدس دینی، مرز و تفاوت‌هایی قائل شود، چنان که خود قرآن دستور صریح داده که اهل ایمان، میان برخورد بین خود و برخورد با پیامبر (ص) تفاوت قائل باشند:

الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَابَكُمْ فَوْقَ صَوَابِ النَّبِيِّ لَوْ إِلَى السَّمَاءِ لَإِلَّا لَمَلَأُوا وَجْهَكَ زُكُورًا وَبَعْضٌ كُفْرًا  
لِإِعْضَائِكُمْ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ (الحجرات/۲).

به نظر می‌رسد این آیه شریفه که شیوه رفتار با پیامبر را ترسیم می‌نماید، در تناص-های قرآنی و دینی هم می‌تواند الگویی مناسب باشد که رعایت آن می‌تواند گونه‌ای زیبا و هنری از بینامتنی قرآنی پدید آورد. در مجموع، بینامتنی با قرآن و متون دینی در شعر نباید به گونه‌ای باشد که خواسته و ناخواسته، مفهومی خلاف آیه یاد شده از آن احساس شود.

### نتیجه:

از آن چه بیان شد، نتایج زیر به دست می‌آید:

(۱) عقیفی مطر با به کارگیری شخصیت‌ها و حوادث قرآنی، اثر ادبی خود را متمایز نموده، صفت ماندگاری به آن بخشیده است. اقتباس در ۱۴۳ مورد از آیات قرآن در قصایدش، نشانگر بسامد بالای تناص قرآنی در دیوان اوست. او به منظور ترسیم اوضاع نابسامان کشورش، گاهی با حفظ سیاق و ساختار آیات قرآن و گاهی با تغییر آن، اما به شکلی هنری، مفاهیمی نوین پدید آورده است. اما با وجود این، شاعر در برخی از موارد، در بینامتنی دینی، قرآنی، نمونه‌های متناسبی انتخاب نکرده، مراعات جایگاه و شأن امور قدسی را آن گونه که شایسته است، ننموده است و انتقادهای جدی به آن وارد است.

(۲) از آنجایی که عقیفی مطر همواره به عنوان شاعری ضد استبداد و معتقد به دین جلوه کرده است، به نظر می‌رسد این گونه استفاده از آیات قرآنی را نمی‌توان دلیل بی‌اعتنایی او به مفاهیم دینی پنداشت، بلکه می‌توان آن را نوعی ساختار شکنی سبکی و مفهومی

در شعر وی به شمار آورد، اما در کل، انتقادی که به بینامتنی قرآنی او و دیگران شاعران معاصر وارد است، عدم مرزبندی میان متون دینی با متون بشری است، غالب این شاعران در موضوع ساختار شکنی سبکی، معنایی، با قرآن کریم و امور دینی به مانند دیگر آثار بشری رفتار می‌کنند.

### منابع و مآخذ:

- \_ قرآن کریم.
- \_ آن، گراهام (۱۳۸۰ش)، بینامتنیت، ترجمه: پیام یزدانجو، تهران، نشر مرکز.
- \_ جبر شعث، احمد، جمالیات التناص فی شعر محمد عفیفی مطر، کلیه الآداب والعلوم الإنسانیة، جامعة الأقصى، فلسطين.
- \_ الزعبي، أحمد (۱۹۸۲م)، التناص نظرياً و تطبيقياً، عمان، مؤسسه عمریه، ط ۲.
- \_ ساسانی، فرهاد (۱۳۸۴ش)، عوامل مؤثر در تفسیر و فهم متن، زبان و زبانشناسی، سال اول، شماره دوم.
- \_ عزام، محمد (۲۰۰۱م)، النص الغائب، اتحاد الکتآب العرب، دمشق.
- \_ عفیفی مطر، محمد (۱۹۹۸م)، احتفالات المومياء المتوحشه، قاهره، دار الشروق، ط ۱.
- \_ ----- (۱۹۹۸م)، دیوان أنت واحدها و هی أعضاءك انتشرت، دار الشروق، ط ۱.
- \_ ----- (۱۹۹۸م)، دیوان من مجمره البدايات، قاهره، دار الشروق، ط ۱.
- \_ الغدامي، عبدالله (۱۹۹۸م)، الخطيئة و التكفير، الهيئة المصرية العامة للكتاب، مصر، ط ۴.
- \_ کریستوا، ژولیا (۱۳۸۱ش)، کلام و زمان، به سوی پسامدرن، ترجمه: پیام یزدانجو، نشر مرکز، تهران.
- \_ مفتاح، محمد (۱۹۹۲م)، تحلیل الخطاب الشعری، استراتیجیه التناص، المركز الثقافی العربی، الدار البیضاء، بیروت.
- \_ موسی، خلیل (۲۰۰۰م)، قراءات فی الشعر العربی الحدیث و العربی، اتحادالکتآب العرب، دمشق.
- \_ وعادله، لیدیا (۲۰۰۵م)، التناص المعرفی فی شعر عزالدین المناصره، دار المنلاوی، ط ۱.

منبع اینترنتی

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=۸۹۰۴۰۸۱۴۶۹>

<http://۴-hama.com/showthread.php?t=۱۴۵۰۹>

## دراسة نقدية للتناص الديني و القرآني في شعر محمد عفيفي مطر

مسعود اقبالي<sup>1</sup>

على سليمي<sup>2</sup>

### الملخص

كانت النصوص القديمة خاصة النصوص الدينية منبع الاقتباس لنصوص الأدبية منذ العهد القديم. و شاع هذا الموضوع أكثر من قبل في الشعر المعاصر، فكان للقرآن دور ريادي في نشره لمقد زين به الشعراء و الأدباء آثارهم وفقاً لأحوالهم الخاصة. الشاعر المصري محمد عفيفي مطر هو من الشعراء الذين قد استخدم في شعره الكثير من التناص القرآني واستعمل اساليب مختلفة منها: النقل الإشاري، وأخذ المفهوم للقرآن دون تغيير، وتحويل المعني و الاسلوب في الآيات حيناً و استخدام المضامين المتضادة لنص القرآن حيناً آخر. هذه المقالة تدرس تناصه الديني و القرآني برؤية نقدية. نتيجة هذه الدراسة تدلّ علي أنّ الشاعر، إضافةً إلى النماذج التناصية الايجابية في شعره، أحياناً يأتي بنماذج سلبية لا تتناسب و شأن الأنبياء و القدرة الإلهية.

الكلمات الرّئيسة: التناص القرآني، الشعر المعاصر، عفيفي مطر، رؤية نقدية.

---

١- طالب دكتوراه في اللغة العربية و آدابها.

٢- استاذ مشارك بجامعة رازي.

